

ویلیام چیتیک و جستجوی روح اسلام در نیایش‌های حسینی و مفاهیم عاشورایی

محمد رضا زارع خورمیزی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵

چکیده

ویلیام سی چیتیک، خاورشناس آمریکایی است که در زمینه تصوف اسلامی آثار ارزشمندی نوشته است. این مقاله برای شناخت ابعاد معنوی مفاهیم عاشورایی در عرفان اسلامی و آشکارسازی دیدگاه‌های چیتیک در خصوص ابعاد معنوی دعای امام حسین علیه السلام در عرفه و تأثیر ماندگار مفاهیم عاشورایی بر آثار ادیبان عارف مشرب انجام شده است. سؤال اصلی پژوهش این است که چیتیک چگونه روح اسلام را در ابعاد معنوی دعای عرفه و شرح مفاهیم عاشورایی در ادبیات عرفانی تبیین کرده است؟ فرضیه تحقیق این است که چیتیک، با کارنامه‌ای فاخر در مطالعات اسلامی، در آثار خود کوشیده است تا روح اسلام را در مؤلفه‌های معنوی و حماسی شیعی نظیر دعای عرفه امام حسین علیه السلام و مفاهیم عاشورایی جستجو کند. این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوا و رویکرد بررسی کیفی آثار ویلیام

۱. استادیار دانشکده علوم اسلامی. khormizi@abu.ac.ir

چیتیک، نشان داد که چیتیک زیبایی‌های اسلام را در ابعاد نیایش، عرفان و حماسه عاشورا برای خوانندگان غربی روشن ساخته است. او نه تنها بعد حماسی امام حسین علیه السلام بلکه معنویت اسلام را نیز در میراث ایشان نظیر دعای عرفه و مفاهیم عاشورا شناسایی و تبیین کرده است.

کلیدواژه‌ها: امام حسین علیه السلام، دعای عرفه، سنایی، عاشورا، عرفان اسلامی، مولوی، ویلیام چیتیک.

مقدمه

ویلیام چیتیک، در تاریخ ۲۹ ژوئن ۱۹۴۳، در میلفورد، ایالت کنتیکت آمریکا متولد شد. وی یکی از پژوهشگران برجسته در حوزه مطالعات اسلامی است که به‌ویژه برای آثار گسترده‌اش در زمینه‌های تصوف و ادبیات فارسی ارج نهاده شده است. چیتیک در خانواده‌ای پروتستان بزرگ شد و دوران تحصیل ابتدایی خود را در زادگاهش سپری کرد و پس از آن، در کالج وستر به تحصیل در رشته تاریخ پرداخت. برای گسترش دانش خود در زمینه تاریخ شرق و آشنایی با زبان عربی، تحصیلات خود را در دانشگاه آمریکایی بیروت ادامه داد و در این دوران به عرفان اسلامی علاقه‌مند شد، علاقه‌ای که پس از آشنایی با سید حسین نصریش از پیش افزایش یافت. ویلیام چیتیک برای آموختن عرفان اصیل اسلامی به ایران آمد و در رشته ادبیات فارسی در دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت. طی دوازده سال حضور در ایران، موفق به دریافت درجه دکتری در زبان و ادبیات فارسی در سال ۱۳۵۳ شد و به تدریس علوم انسانی در دانشگاه صنعتی شریف پرداخت. او از محضراستادان برجسته‌ای چون جلال‌الدین همایی، بدیع‌الزمان فروزانفر، سید حسین نصر، توشی هیکوایزوتسو، هانری کربن و سید جلال‌الدین آشتیانی بهره‌مند شد. این تعاملات، فهم او از عرفان اسلامی را به شکل چشمگیری غنی‌تر کرد و تحت هدایت علامه طباطبایی، گلچینی از احادیث شیعه را به زبان انگلیسی ترجمه کرد. تجربه‌های چیتیک در ایران، به او دانش و بینشی بی‌نظیر درباره عرفان اسلامی و میراث ادبیات فارسی بخشید و او را به یکی از برجسته‌ترین متخصصان این حوزه‌ها تبدیل کرد

(Chittick, 2012: 39-41).

چیتیک پس از تأسیس انجمن فلسفه، تحت نظر هانری کربن به مطالعه عرفان اسلامی پرداخت. همکاری وی با سید حسین نصر در زمینه فلسفه و معارف اسلامی نیز ادامه یافت. وی اکنون به عنوان استاد در گروه مطالعات تطبیقی ادیان در دانشگاه ایالتی نیویورک در استونی بروک فعالیت دارد و به تدریس و پژوهش بر متون کلاسیک عرفانی فارسی و عربی می‌پردازد. تسلط کامل چیتیک بر زبان‌های فارسی، عربی و متون کلاسیک عرفانی این دو زبان، در ویرایش و تفسیر انتقادی او بر کتاب نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص نوشته عبدالرحمن جامی که همچنین پایان‌نامه دکتری او بود، بارز است (Chittick, 1986: 10). تلاش‌های بی‌وقفه و استعداد ذاتی چیتیک موجب موفقیت‌های چشمگیر او شدند. توانایی او در درک عبارات عرفانی و شناخت سبک نویسندگان آنها، آثار وی را متمایز و برجسته ساخته است. چیتیک، علاوه بر پژوهش و نگارش در حوزه‌های عرفان و اخلاق، خود نیز به ملکات معنوی و انسانی آراسته شده و فردی معتدل، مشتاق به کار و کوشش علمی و ادبی است، که از سخاوت در تحقیق و اندیشه دریغ نمی‌کند (Chittick, 2012: 45-47).

چیتیک یکی از برجسته‌ترین متخصصان ادعیه عرفان اسلامی در غرب شناخته می‌شود و نخستین کسی است که، علاوه بر قرآن کریم، صحیفه سجاده را به زبان انگلیسی ترجمه کرده است. این اثر تحت عنوان *The Psalms of Islam* توسط انتشارات متعددی از جمله انتشارات انصاریان منتشر شده است. چیتیک بر ترجمه صحیفه سجاده، مقدمه‌ای مفصل به رشته تحریر درآورده و به بررسی دقیقی پیرامون شخصیت امام سجاد(ع)، صحیفه، نسخه‌های خطی و شروح آن، دعا در اسلام، مفهوم توحید، درخواست از خدا، اسماء الحسنی، شکرگزاری نعمت‌ها و موضوعات مشابه پرداخته است. این کتاب در سال ۱۳۸۳ش مفتخر به دریافت جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شد. علاوه بر این، ترجمه انگلیسی دعا‌های ایام هفته، مناجات خمسه عشر و رساله الحقوق امام سجاد(ع) از دیگر آثار ارزنده چیتیک است که نقش بسزایی در معرفی فرهنگ دعا و نیایش اسلامی در سطح جهان داشته است

(Chittick, 2000: 24-34).

چیتیک متخصص تاریخ معنویت اسلامی، معتقد است که عرفان در دنیای مدرن کنونی جایگاه ویژه‌ای یافته است و عرفانی که از اسلام تغذیه نکند، آینده‌ای نخواهد داشت. وی در آثار خود نه تنها به معرفی پیشوایان شیعه نظیر امام سجاد و امام حسین علیهما السلام پرداخته، بلکه مخاطبان انگلیسی زبان را با عالمان و ادیبانی همچون ابن عربی و مولوی آشنا کرده است. کوشش‌های او در شناساندن دانشمندان ایرانی-اسلامی دیگر در غرب بی‌نظیر است. چیتیک همچنین اندیشه‌های معاصران نظیر علامه طباطبایی و امام خمینی را در برخی از آثار خود مورد بررسی قرار داده است. همسروی، ساچیکو موراتا، نیز اسلام‌شناس و پژوهشگر حوزه ادیان است که برخی از آثار بزرگ چیتیک مانند کتاب سیمای اسلام با همکاری او تدوین شده‌اند (Chittick & Murata, 2000).

ویلیام چیتیک تاکنون ده‌ها کتاب و مقاله به چاپ رسانده و در رویدادهای علمی متعددی شرکت کرده است. وی به دنبال یافتن قواعد سلوک عرفانی در قرآن و سنت است و باور دارد که مقامات معنوی به دست آمده از طریق کشف و شهود با مباحث استدلالی و برهانی تناقض ندارند. این دیدگاه نشان دهنده تلاش او برای ادغام دو رویکرد تفکری و عرفانی در فهم دین است، که آموزه‌های دینی را در یک چارچوب عقلانی تبیین می‌کند و در عین حال به جنبه‌های عرفانی و معرفت‌شناسی توجه دارد. برخی از مهم‌ترین کتاب‌هایی ویلیام چیتیک که به زبان فارسی ترجمه شده‌اند، عبارتند از:

۱. عشق الهی (سیر به سوی خدا در متون اسلامی)، ترجمه سید امیرحسین اصغری، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۴ ش.
۲. درآمدی بر تصوف و عرفان اسلامی، ترجمه جلیل پروین، انتشارات پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
۳. ترجمه صحیفه کامله سجادیه به انگلیسی، انتشارات انصاریان، ۱۳۸۴ ش.
۴. درآمدی به تصوف، ترجمه محمدرضا رجبی، انتشارات مرکز مطالعات و



تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۸ ش.

۵. سیمای اسلام، اثر مشترک ویلیام سی. چیتیک و ساچیکو موراتا، ترجمه عبدالرحیم گواهی، انتشارات فرهنگ اسلامی. این کتاب نمای کلی از معنویت اسلامی ارائه می‌دهد و زمینه‌ساز مطالعات دقیق چیتیک درباره شخصیت‌های تاریخی مانند امام حسین علیه السلام است.

۶. در جستجوی قلب گمشده: کاوش در اندیشه اسلامی، اثر ویلیام سی. چیتیک، محمد رستم و عاطف خلیل، که ترجمه آن به دست امیرحسین اصغری انجام شده است. نخستین بار در سال ۲۰۱۲ منتشر و سپس ترجمه فارسی آن در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسید. این کتاب مجموعه‌ای از مقالات است که به جنبه‌های مختلف اندیشه اسلامی می‌پردازد. مقالات چیتیک در این مجموعه به ابعاد متافیزیکی و عرفانی اسلام پرداخته و بینش‌هایی درباره اهمیت معنوی شخصیت‌ها و رویدادهای دینی کلیدی ارائه می‌دهند. در رابطه با امام حسین علیه السلام و عاشورا، چیتیک تحلیل دقیقی از چگونگی تفسیر این تم‌ها در سنت‌های صوفی ارائه داده و امام حسین علیه السلام را به عنوان نماد فداکاری روحانی نهایی و عشق الهی توصیف می‌کند. این اثر برای درک چارچوب گسترده‌تر معنوی و متافیزیکی که چیتیک در تفسیر عاشورا و شهادت امام حسین علیه السلام به کار می‌برد، از اهمیت بسزایی برخوردار است.

برخی از مقالات ویلیام سی. چیتیک در ارتباط با موضوع مقاله حاضر عبارتند از:

۱. «آتش عشق و شمشیر لا»، ترجمه حسن لاهوتی، مجله اطلاعات حکمت و

معرفت، دی ۱۳۸۸، ص ۴۸-۵۴.

۲. «نیایشنامه علوی: اشتیاق ناتمام روح برای کمال»، ترجمه سید امیرحسین

اصغری، مجله اطلاعات حکمت و معرفت، مهر ۱۳۸۶، ص ۲۴-۳۴.

۳. «نگرشی به کتاب صحیفه سجادیه اثر ویلیام سی. چیتیک»، ترجمه حسین

پورقاسمیان، مجله مطالعات قرآن و حدیث سفینه. این مقاله به بررسی اهمیت روحانی

و الهیاتی دعاهاى امام زین العابدین علیه السلام می‌پردازد و دیدگاه‌های چیتیک درباره معنویت

اسلامی را گسترش می‌دهد.

۴. «بکاء در اسلام و سنت صوفیانه»، ترجمه معصومه نقدبیشی، مجله کتاب ماه دین. این مقاله به اهمیت احساسی و معنوی گریه در زمینه‌های اسلامی و صوفیانه می‌پردازد و نگاه نویی بر گریه و عزا دارد.

۵. «برکرانه ادب و هنر: امام حسین علیه السلام در نگاه مولوی»، ترجمه حسن لاهوتی، مجله اطلاعات حکمت و معرفت. این مقاله که در بهار ۱۳۷۶ در نشریه وقف میراث جاویدان منتشر شده، به بررسی دیدگاه مولوی درباره امام حسین علیه السلام می‌پردازد. چیتیک احترام عمیق مولوی به امام حسین علیه السلام را نشان می‌دهد که چگونه شعر و آموزه‌های مولوی تم‌های فداکاری، عشق الهی و مقاومت روحانی را به تصویر می‌کشند. این مقاله به ویژه به دلیل بررسی تقاطع بین ادبیات، معنویت و روایت تاریخی اهمیت دارد و نشان می‌دهد که دیدگاه عرفانی مولوی چگونه با فهم عاشورا در تفکر صوفیانه همخوانی دارد.

آثار ویلیام چیتیک در حوزه معارف اسلامی و عرفان، با ارائه تحلیل‌های عمیق و بینش‌های نوین، مجموعه‌ای ارزشمند از منابع پژوهشی به شمار می‌آیند. کتاب‌ها و مقالات او، که به موضوعاتی همچون عشق الهی، تصوف، نیایش‌های اسلامی و تحلیل متون عرفانی می‌پردازند، از جمله منابعی هستند که می‌توانند در این پژوهش به طور مؤثری مورد استفاده قرار گیرند.

پژوهش حاضر سعی می‌کند با بهره‌گیری از این منابع، به بررسی عمیق‌تر و دقیق‌تر دیدگاه چیتیک درباره دعای عرفه و مفاهیم عاشورایی بپردازد و نقش محوری این مفاهیم را در ادبیات منظوم عرفانی آشکار سازد. آثار چیتیک، با تأکید بر جایگاه بی‌بدیل مفاهیم عاشورایی و نیایش‌های اسلامی در عرفان اسلامی، به طور مستقیم به ارتقای فهم و منقح‌سازی دیدگاه‌های او در این زمینه کمک می‌کنند و پایه‌ای قوی برای تحلیل‌های علمی و پژوهش‌های آتی فراهم می‌آورند. بدین ترتیب، پژوهش حاضر می‌تواند از میراث علمی چیتیک بهره‌مند شده و به بررسی جامع‌تر و دقیق‌تر موضوعات مطروحه بپردازد. پژوهش حاضر از روش تحلیل محتوا با رویکرد کیفی استفاده کرده و با بررسی سیستماتیک آثار ویلیام چیتیک، به تحلیل دقیق محتوای نوشته‌ها و دیدگاه‌های او درباره امام حسین علیه السلام، دعای عرفه و مفاهیم عاشورایی پرداخته است. این روش به

محقق امکان می‌دهد تا به عمق مفاهیم معنوی و اخلاقی در آثار چیتیک پی ببرد و تأثیر این مفاهیم بر ادبیات عرفانی و فرهنگ اسلامی را به‌طور جامع تبیین کند.

نیایش‌های اسلامی و دعای عرفه امام حسین علیه السلام

ویلیام چیتیک در آثار خود بر این باور است که بسیاری از غربیان، اسلام را با مفاهیمی چون واپس‌گرایی، خشونت‌طلبی، ظاهرگرایی و خدایی دور از دسترس مرتبط می‌دانند. او معتقد است عناصری از تمدن اسلامی که ترکیبی از لطافت‌ها، ظرافت‌ها، عشق و عرفان، روح انسانی و خدای مهربان و همیشه حاضر در همه جا را نمایش می‌دهند، به عنوان اصل اسلام و قرآن تلقی نمی‌شوند. پژوهشگران غیرمسلمان در بررسی اسلام، به‌طور طبیعی به جنبه‌هایی می‌پردازند که در نگاه اول آشکار هستند، مانند رویدادها، متون مکتوب و روابط اجتماعی. در حالی که نه تنها مشاهده قلب مردم یا پژوهش در روابط شخصی آنان با خداوند آسان نیست، بلکه بسیاری از افراد نیز تمایلی به چنین کاری ندارند. چیتیک بر این باور است که راه رسیدن به قلب‌ها باید از طریق بررسی عمیق‌ترین نگرانی‌های فردی که در فعالیت‌ها و نوشته‌های ظاهری منعکس می‌شود، پیموده شود. جنبه‌هایی از اسلام که بیشتر مورد توجه محققان خارجی قرار گرفته‌اند، ابعاد بیرونی و قابل مشاهده آن هستند و این ابعاد ارتباطی با عشق و رحمتی که با معنویت غربی آمیخته است، ندارند. بنابراین، او تأکید می‌کند که برای درک واقعی اسلام، باید به جنبه‌های معنوی و عرفانی آن که نمایانگر ارتباطی عمیق و شخصی با خداوند هستند، توجه کرد. این جنبه‌ها شامل نیایش‌های عارفانه، تجربه‌های روحانی و عشق به خداوند است که در متن‌های دینی و فرهنگی اسلامی یافت می‌شود و نیازمند نگاهی عمیق‌تر و پژوهشی جامع‌تر است (چیتیک، ۱۳۸۶: ۳۳).

چیتیک تمدن اسلامی را به یک شهر سنتی مسلمانان تشبیه کرده که دروازه‌هایش تیره و تاریک به نظر می‌رسند و ورود به دنیای پس از دیوار و دروازه‌ها آسان نیست. اما اگر کسی با اهالی شهر صمیمی و محرم شود، حیاط‌ها و باغ‌های دلپذیری به او نشان داده می‌شوند که پراز گل‌های معطر، درختان میوه‌دار و فواره‌های درخشان است. کسانی که

به تاریخ اسلام، رویدادهای سیاسی و نهادهای اجتماعی آن پرداخته‌اند، به دلیل عدم دسترسی به درون باغ‌ها، تنها با دیوارها روبه‌رو شده‌اند. دعاهایی که از استوانه‌های صدر اسلام برای ما باقی مانده‌اند، می‌توانند نمای کاملاً تازه‌ای از جان روح بخش اسلام را بر ما آشکار کنند. این دعاها دسترسی مستقیم به نوعی از تلاش‌های انسانی برای ما فراهم می‌کنند که پیش‌نیاز تکامل در آرمان اسلامی است (همان، ۳۴). چیتیک معتقد است که این دعاها، که میراثی از عرفان اسلامی هستند، به ما امکان می‌دهند تا به عمق معنویت اسلامی پی ببریم. این دعاها نه تنها به عنوان اعمال دینی بلکه به عنوان جلوه‌های زنده‌ای از عشق و ارتباط عمیق با خداوند محسوب می‌شوند. از طریق این نیایش‌ها، افراد می‌توانند به تجربه‌ای عمیق و شخصی از ایمان دست یابند که فراتر از ظواهر و نهادهای اجتماعی است. بنابراین، برای درک واقعی و جامع از تمدن اسلامی، باید به این ابعاد درونی و معنوی توجه ویژه‌ای داشت. این دیدگاه چیتیک بر اهمیت پژوهش و مطالعه عمیق در متون عرفانی و نیایش‌های اسلامی تأکید می‌کند تا بتوان به درک بهتری از جوهره واقعی اسلام و تاثیرات آن بر فرد و جامعه دست یافت.

چیتیک اسلام را به عنوان یک واقعیت شکل یافته می‌بیند که سه جوهره اصلی، یعنی اسلام، ایمان و احسان (معنویت) را در خود جای داده است. حتی اگر اشکال مختلف اجتماعی با این جوهره‌ها برخوردی جداگانه داشته باشند، این ابعاد دارای روابط همبسته و صمیمانه‌ای با یکدیگر هستند. منابع اولیه اسلامی مانند احادیث پیامبر ﷺ و نهج البلاغه، جوهره‌های سه‌گانه را در خود دارند. چنانکه نهج البلاغه همه گونه‌های سخن و مفاهیم از معنویت و سیاست را در هم ترکیب کرده است و معنویت و تقدس در فحوای تمام سخنان امیرالمومنین علی علیه السلام نهفته است (همان).

چیتیک در نوشته‌های خود کوشیده تا اصول رفتار در عرفان نظری و عملی اسلام را در قرآن و سنت بیابد و بر این باور است که مقامات معنوی که از طریق کشف و شهود به دست می‌آیند، با مباحث استدلالی تضادی ندارند. او معتقد است که قرآن و سنت نه تنها راهنمای زندگی روزمره مسلمانان هستند، بلکه نقشه‌ای برای دستیابی به مقامات معنوی عالی‌ترین ارائه می‌دهند. به نظر چیتیک، اسلام دارای ابعاد گوناگونی است که هر

کدام به نحوی به تعالی و رشد معنوی فرد و جامعه کمک می‌کنند. او تأکید دارد که درک صحیح از اسلام نیازمند توجه به تمامی این ابعاد است، چرا که اسلام به عنوان یک کل واحد و جامع، نمی‌تواند به طور کامل درک شود مگر اینکه همه جنبه‌های آن به درستی مورد توجه قرار گیرند. بنابراین، برای درک عمیق‌تر و کامل‌تر از اسلام، نه تنها باید به مباحث فقهی و اعتقادی پرداخت، بلکه باید به جنبه‌های عرفانی و معنوی نیز توجه ویژه‌ای داشت. این نگاه جامع به اسلام می‌تواند به پژوهشگران و علاقه‌مندان کمک کند تا به فهمی دقیق‌تر و صحیح‌تر از دین برسند و تأثیرات مثبت آن را در زندگی فردی و اجتماعی بهتر درک کنند. وی در این باره می‌نویسد: «تأکیدهای نظری و عملی متفاوت بر ابعاد سه‌گانه اسلام (ایمان به تصدیق و آگاهی قلبی، ایمان به زبان و بیان باور، ایمان به ارکان و اعضا و جوارح) به ما کمک می‌کند تا بفهمیم چرا غربی‌ها به صرافت طبع، مجذوب تصوف می‌شوند؛ ولی از اسلام دلزده می‌گردند. چنین افرادی، هیچ اطلاعی از اسلام - به غیر از اندیشه‌های متحجرانه‌ای که از قرون وسطا به آنان انتقال یافته است - ندارند. غربی‌ها در نگاه اول به اسلام، احساس می‌کنند گویی آنها را به بیابانی برده‌اند و در مقابل دیوارهای خشن و بی‌پیرایه شهری قرار داده‌اند که بوی مرگ می‌دهد؛ اما بر عکس، عرفان و معنویت اسلامی، آدمی را به باغ‌های زیبایی وارد می‌نماید که شریعت با احکام و دستورات خود، دیوار این باغ‌ها را حفاظت می‌نماید. در جامعه زنده و پویا، این دیوارها از آن فضای سبز و با طراوت، در مقابل طوفان‌های بیابان پاسداری می‌کند» (چیتیک، ۱۳۸۶: ۲۸).

از دیدگاه چیتیک، در متون اسلامی، دعا و نیایش یکی از اساسی‌ترین ساختارهایی است که روح می‌تواند در آن به شکلی الهی درآید و نفس محوری از میان برود. وی به روایت امام حسین علیه السلام اشاره می‌کند که فرمود: «پیامبر به هنگام دعا و تضرع، دست خود را بالا می‌برد، شبیه انسان درمانده‌ای که برای غذا التماس می‌کند» (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۸۵). چیتیک بر این باور است که دعا، همان‌گونه که در مسیحیت معاصر درک می‌شود، عبادتی فردی است که بنیاد زندگی دینی را تشکیل می‌دهد. با این حال، به دلیل جنبه شخصی و درونی آن، همان‌گونه که در قرآن به طور عمومی ذکر شده، شکل

مشخصی در شریعت برای آن تعریف نشده است. هر فرد باید به یاد خدا باشد و با او نیایش کند. با این وجود، از آنجا که این عبادت شخصی و رابطه‌ای ارزشمند با خداوند است، به سختی می‌توان آن را در قالب‌های خاص محصور کرد. اگرچه نماز حداقل چیزی است که خداوند از بندگان مؤمن به عنوان نشانه‌ای از ایمان آنها می‌پذیرد. بخش اجتماعی نماز شامل قیام و قعود است که همراه آن انجام می‌شود و این حقیقت که شکل و محتوای آن برای همه عبادت‌کنندگان یکسان است، حتی اگر فرد به تنهایی نماز بخواند. در مقابل، ذکر و نیایش کاملاً شخصی‌اند و برخلاف نماز، قالب خاص و استاندارد ندارند (چیتیک، ۱۳۸۶: ۲۸).

چیتیک اسلوب عبادت و نحوه عبادات مختلف در اسلام را برای خواننده غربی تا حدودی ناآشنا می‌داند و بهترین راه آشنایی آن مخاطبان با این موضوع را مطالعه کتاب نیایش‌های مسلمانان^۱ کنستانس پادویک^۲ معرفی می‌کند. وی بر این باور است که بسیاری از دعاهایی که از پیامبر ﷺ و امامان رسیده‌اند، بی‌تردید «انگیخته‌های قلبی بوده‌اند». البته دعاهای نبوی اغلب کوتاه هستند و به راحتی در هر لحظه قابل خواندن‌اند؛ اما برخی از دعاهای امامان - مانند دعای امام زین‌العابدین علیه السلام در روز عرفه - طولانی و با دقت و مهارت در شرح جزئیات بیان شده‌اند. حتی اگر این دعاها در ابتدا به صورت دفعی صادر شده باشند، توسط امامان یا پیروانشان در موقعیت‌های خاص تکرار شده و به عنوان دعاهای مختص به آن موقعیت‌ها شناخته شده‌اند.

به نظر چیتیک دعا شرایطی را فراهم می‌سازد که انسان بتواند درباره خدا بیندیشد و حضور او را در فعالیت‌های روزمره اش حس کند. دعا نوعی اعتراف به یگانگی خداست که به احساسات، حرکات و تفکرات آدمی شکل می‌دهد. امامان علیهم السلام در زمان حیاتشان از سوی شیعه و سنی به عنوان معتبرترین افراد شناخته می‌شدند، بنابراین طبیعی بود که آنان دعاهایی را انشا کنند که در آن، معارف و ارتباط انسان با خدا در شخصی‌ترین

1. Muslim Devotions, London ۱۹۶۱.

2. Constance Padwiek.

اصطلاحات بیان شود و بتواند گسترش یابد و به عنوان ملک عمومی مورد استفاده قرار گیرد. بسیاری از ادعیه صحیفه سجادیه چنین ویژگی‌ای دارند (چیتیک، ۱۳۸۶: ۲۸).
 به نظر چیتیک، دعا از ابتدای اسلام یکی از بنیادی‌ترین روش‌هایی بوده است که مسلمانان از طریق آن به درک عمیق‌تری از حقیقت اشیاء نائل می‌آمدند و یاد می‌گرفتند که خدا را منبع همه نیکی‌ها بدانند. براین اساس، هر امر مثبتی که در انسان متجلی می‌شود، صرفاً به خدا تعلق دارد و از آنجا که بنده از خود چیزی ندارد، مظهر کمالات الهی می‌شود. این نظر با نگاه به حدیث قدسی مشهوری روشن‌تر می‌شود؛ آنجا که خداوند فرمود: «بنده ام با نوافل (مانند دعا) به من نزدیک می‌شود تا آنجا که من به او عشق بورزم و آنگاه که من به وی عشق بورزم، من گوش او می‌شوم که با آن می‌شنود، چشم او می‌شوم که با آن می‌بیند، دستش می‌شوم که با آن می‌گیرد، پایش می‌شوم که با آن قدم می‌زند» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۳۵۲).

ویلیام چیتیک براین باور است که دعای عرفه امام حسین علیه السلام نقش ویژه و مهمی در الهیات شیعه دارد و به عنوان مشهورترین دعا از نظر زیبایی و ساختار معنوی شناخته می‌شود. این دعا هر سال در روز عرفه و موسم حج - زمانی که برای نخستین بار توسط حسین بن علی علیه السلام بیان شد - توسط حاجیان شیعه و همچنین در دیگر اوقات سال خوانده می‌شود. این دعا چنان نقش مهمی دارد که چند تن از متکلمان شیعه و علمای احادیث نظیر ملا محسن فیض کاشانی و حاج ملاهادی سبزواری در آثار خود به این دعا اشاره کرده‌اند و ملاصدرا، فیلسوف و عارف بزرگ، نیز در آثار خویش بارها به این دعا ارجاع داده است (Chittick, 2012: 39). وی همچنین بحث مبسوطی را در مورد سند این دعا ارائه می‌کند و صحت این دعا را در منابع شیعه از جمله البلد الامین اثر کفعمی، مصباح الزائر نوشته سید بن طاووس، بحار الانوار از علامه مجلسی و الکافی نگارش محمد بن یعقوب کلینی بررسی می‌کند. چیتیک براین باور است که تغییر سبک ناگهانی در سه یا چهار صفحه آخر دعا، گواهی بر ناهماهنگی این بخش با اصل دعا است؛ وی در این باره می‌نویسد: «اگرچه بسیاری از متکلمان و فیلسوفان شیعه، بخش دوم را نیز جزء لاینفک دعا قلمداد کرده‌اند، اما علامه مجلسی، متکلم و فقیه دوره

صغویه، بر این باور است که جزء دوم را یکی از مشایخ صوفیه می‌تواند به اصل آن اضافه کرده باشد زیرا این ذیل مطابق با «سلیقه صوفیان» است لذا قسمت دوم احتمالاً بعد از نسخه ابن طاووس اضافه شده است» (نک. چیتیک، محمد رستم و عاطف خلیل، ۱۹۷۸).

ویلیام چیتیک در ادامه به این موضوع اشاره می‌کند که علی‌رغم دیدگاه مجلسی، کل دعا (اصل و ذیل آن) به دلیل سازگاری با «معنویت شیعه» در کتاب‌های ادعیه متعارف گنجانده شده و در مناسبت‌های مختلف خوانده می‌شود. چیتیک همچنین درباره مضمون دعای عرفه نیز مطالب مبسوطی را ارائه می‌کند و معتقد است که در هنگام دعا، امام حسین علیه السلام خدا را حمد می‌کند، شهادت می‌دهد که معبودی جز الله نیست و بازگشت همه مردم به سوی خدا را پس از مرگ توصیف می‌کند. سپس مراحل آفرینش انسان تا زمان مرگ و شگفتی‌های طبیعت را با تبیین مسائل مهم در شاخه‌های مختلف علم بیان می‌کند.

امام حسین علیه السلام ضعف انسان‌ها و نیاز به شکرگزاری از خداوندی را که نیازی به شکر آنها ندارد، مطرح می‌کند و برخی از قسمت‌ها با «صلی الله علیه و آله» ختم می‌شود. چیتیک (۱۳۸۶: ۲۸) در این فراز به این موضوع اشاره می‌کند که امام حسین علیه السلام از ایجاد فضای اهل بیتی دعا نیز غافل نبوده‌اند. همچنین به این موضوع اشاره می‌کند که: در بخشی از دعا، حسین بن علی علیه السلام معتقد است که نعمت‌های خداوند بی‌نهایت است و از خداوند می‌خواهد به او نشان دهد چگونه به او نزدیک شود و به برقراری رابطه خوب با خدا به او کمک کند و از خداوند در برابر بلاهای دنیا و آخرت طلب صبر می‌کند.

برابری مفاهیم عاشورایی با مفاهیم اسلامی

چیتیک (۱۳۷۶: ۹۲) بر این باور است که مفاهیم عاشورایی از دیرباز در جامعه اسلامی رواج داشته و تصویر شهادت امام حسین علیه السلام در اذهان شیعه و سنی کاملاً آشنا بوده است. لذا شخصی همچون مولوی نیازی نداشته که رویداد غم‌انگیز کربلا را برای عموم مسلمانان توصیف نماید؛ زیرا همه از پیش با این واقعه آشنایی داشته‌اند. این رویداد بخشی از روایات تاریخی اسلامی بوده که برای آشکار کردن دقیق مفاهیمی چون

خیر و شر در موعظه‌ها به کار می‌رفته است و نام امام حسین علیه السلام و دیگر اسامی مرتبط، مجموعه‌ای کامل از تصاویر رویداد عاشورا را به اذهان مخاطبان متبادر می‌کرده است. بنابراین، همان‌گونه که برای مولانا کافی بود تا نام حضرت ابراهیم علیه السلام را ببرد و مخاطبان به نمرود و آتشی که به گلستان تبدیل شد، بیندیشند، نام امام حسین علیه السلام نیز کافی بود تا مخاطبان مولانا به مفاهیمی همچون شهادت و تقابل دادگری و بیدادگری اندیشه کنند. چیتیک مفاهیم عاشورایی را همان مفاهیم اسلامی می‌داند و می‌نویسد: «اگر کسی درباره منبع اطلاعات مولانا درباره امام حسین علیه السلام پرسش کند، این پرسش مشابه آن است که پرسیم وی از کجا درباره اسلام آموخته است».

تأثیر چندگانه سنایی از مفاهیم عاشورایی

چیتیک، سنایی را از شاعران عارفی می‌داند که مفاهیم عاشورایی را در قالب اشعار عرفانی عرضه کرده است. او برای این موضوع چند شاهد مثال می‌آورد:

سنایی (بی‌تا: دیوان اشعار، قصیده ۴) برای تأکید بر اینکه سالک در مسیر سلوک باید خود را مهبای تحمل رنج و بلا کند، امام حسین علیه السلام را نمونه بارز این موضوع معرفی می‌کند و چنین می‌سراید:

تا ز سرشادی برون نهند مردان صفا پای نتوانند بردن بر بساط مصطفی

خزّمی چون باشد اندر کوی دین کز بهر مُلک

خون روان کردند از حلق حسین در کربلا

از برای یک بلی کاندر ازل گفته ست جان

تا ابد اندر رهد مرد بلی تن در بلا

یا در تعبیری دیگر، طریق سلوک را به عروسی تشبیه می‌کند که وصال او بدون به جان

خریدن خنجر و پیکان میسر نخواهد بود (همان، قصیده ۲۸):

کاین طریق است که در وی چوشوی، توشه تورا

جز فنا بودن اگر بودی و سلمان نیست

این عروسی ست که از حسن رخس با تن تو

گر حسینی همه جز خنجر و جز پیکان نیست
 به نظر چیتیک (۱۳۷۶: ۹۲) سنایی بر این باور است که اولیاء و مردان خدا آنان اند که
 ابتدا در همین نشئه، مرگ نفس خود را دیده‌اند و مصداق «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» قرار
 می‌گیرند. امام حسن و امام حسین علیهما السلام برترین نمونه‌های این حقیقت به شمار می‌روند:
 سربرآر از گلشن تحقیق تا در کوی دین

کشتگان زنده بینی انجمن در انجمن
 در یکی صف کشتگان بینی به تیغی چون حسین
 در دگر صف خستگان بینی به زهری چون حسن
 (سنایی غزنوی، بی‌تا: دیوان اشعار، قصیده ۱۳۴).

سنایی (بی‌تا: دیوان اشعار، قصیده ۱۸۵)، در جایی دیگر امام حسین علیه السلام، یزید و شمر
 را به نیروهای متضادی مانند می‌کند که در روح آدمیان در کارند و حقیقت دین را به امام
 حسین علیه السلام تشبیه می‌کند:

دین حسین توست، آز و آرزو خوک و سگ است
 تشنه این را می‌کشی و آن هردو را می‌پروری
 بریزید و شمر ملعون چون همی لعنت کنی
 چون حسین خویش را شمر و یزید دیگری
 سنایی (بی‌تا: دیوان اشعار، قصیده ۱۶۴)، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام را سرآمد و
 رهبر طریق سلوک و عرفان معرفی می‌کند و دیگران را قابل مقایسه با این بزرگواران نمی‌داند
 و چنین می‌سراید:

سراسر جمله عالم پر تیمست	یتیمی در عرب چون مصطفی کو
سراسر جمله عالم پر شیرست	ولی شیری چو حیدر با سخا کو
سراسر جمله عالم پر زنانند	زنی چون فاطمه خیرالنسا کو
سراسر جمله عالم پر شهیدست	شهیدی چون حسین کربلا کو

سراسر جمله عالم پر امامست امامی چون علی موسی الرضا کو سنایی در اشعار فوق براین باور است که هیچ شهیدی در عالم به مقام امام حسین علیه السلام نمی رسد لذا وی سخن گفتن از حضرت را هنگامی تاثیرگذار می داند که انسان از منیت و نفسانیت خود منقطع شده باشد (چیتیک، ۱۳۷۶: ۹۲).

چون سنایی ز خود نه منقطعی چه حکایت کنی ز حال حسین
(سنایی غزنوی، بی تا: دیوان اشعار، قصیده ۱۴۰)

مفاهیم عاشورایی در اشعار مولوی

چیتیک (۱۳۷۶: ۹۲) معتقد است، شهادت امام حسین علیه السلام اگرچه از موضوعات عمده مثنوی معنوی به شمار نمی رود، ولی دست کم ۲۰ بار به این موضوع در مثنوی اشاره شده است. همین ابیات کافی است که تأثیر حوادث کربلا بر مولانا و شنوندگان سخنان وی، که دینداران جامعه مسلمان را تشکیل می دادند، نشان دهد.

۱. امام حسین علیه السلام مظهر عشق حقیقی به حق تعالی

چیتیک (۱۳۷۶: ۹۳) براین باور است که از دیدگاه مولانا، عشق به حق تعالی جوهره و جان اسلام است. افعال و اعمال دینی، ارزش و معنا را از باطن و روحی که در آنها نهفته است، می گیرند. وقتی از مولانا پرسش می شود که آیا چیزی مهم تر از نماز وجود دارد، او پاسخ می دهد که روح نماز برتر است، همچنان که ایمان از نماز برتر است. ایمان پایدار است، در حالی که نماز در پنج وقت متفاوت روز ادا می شود. نماز ممکن است با عذر قابل قبول معاف شود، اما ایمان هرگز. ایمان بدون نماز نافع است، ولی نماز بدون ایمان همچون نماز منافقان بی اثر است. نماز در هر دینی شکلی متفاوت دارد، اما ایمان به هیچ دینی تغییر نمی کند.

چیتیک معتقد است که اگر از مولانا پرسیده می شد که آیا چیزی مهم تر از شریعت اسلام وجود دارد، احتمالاً پاسخ می دهد که عشق به حق تعالی از همه مهم تر است؛ چرا که تمام مظاهر دینی و عبادات برای آن عشق وجود دارند. بدین معنا نیست که صورت های ظاهری بی اهمیت هستند، بلکه معنا بدون مظاهر خود نمی تواند وجود

داشته باشد. نباید به این اشتباه افتاد که تعالیم و اعمال ظاهری خود دلیل وجودشان هستند، زیرا نماز بدون ایمان سودی ندارد (همان، ۹۳). وی سپس این اشعار مولوی (مثنوی، دفتر ۱، بخش ۱۲۶) را شاهد مثال می‌آورد:

گریبان معنوی کافی شدی خلق عالم باطل و عاقل بُدی
گرمحبت فکرت و معنیستی صورت روزه و نمازت نیستی
هدیه‌های دوستان با همدگر نیست اندر دوستی الا صور
تا گواهی داده باشد هدیه‌ها بر محبت‌های مُضمَر در خفا

بر همین اساس وجوه دین ملازم تفکیک ناپذیر و بدیهی معنای دین به شمار می‌روند و معنای دین در نظر مولوی (دفتر ۶، بخش ۱۱۶)، همان عشق است:

دین من از عشق زنده بودن است زندگی زین جان و سرنگ من است
وصف متمایز «دین عشق» که مولانا اشاره می‌کند آن است که این دین وجود هرچه را
غیر خداست یعنی اغیار را به طور کامل نفی و کلمه توحید (لااله الا الله) را اثبات می‌کند
(چیتیک، ۱۳۷۶: ۹۳).

عاشقان را شادمانی و غم اوست
دستمزد و اجرت خدمت هم اوست
غیر معشوق ار تماشایی بود
عشق نبود هرزه رسوایی بود
عشق آن شعله ست کوچون برفروخت
هرچه جز معشوق، باقی جمله سوخت
تیغ لا در قتل غیر حق براند
درنگرزان پس که بعد لا چه ماند
ماند الا الله باقی جمله رفت

شاد باش ای عشق شرکت سوز زفت
(مولوی، مثنوی، دفتر ۵، بخش ۲۹).



به تعبیر دیگر «بت» بزرگ یا «غیر» را که باید در راه عشق و محبت الهی کنار گذاشت و روانه دیار نابودی نمود، «بت نفس» سالک و طالب است:

مادر بت‌ها بت نفس شماس است زانکه آن بت مار و این بت اژدهاست
(همان، دفتر، بخش ۳۷).

مولوی (دیوان شمس، ترجیعات ۲۸) بر این باور است که عاشق حق باید آمادگی داشته باشد تا خود را برای رضای حق قربانی کند:

ای عشق می‌کن حکم مُرِّ ما را ز غیر خود بی‌ر
ای سیل می‌غُری، بَغُرِّ ما را به دریا می‌کشی

به عبارت دیگر چیتیک (۱۳۷۶: ۹۴) از ادبیات عرفانی اسلامی نظیر مثنوی معنوی چنین برداشت می‌کند که نخستین وصف عاشق راستین آن است که باید آماده باشد تا خود را برای حق قربانی کند، بنابراین آمادگی تام برای شهادت نخستین صفت عاشق حق است. او سپس از اشعار مولوی (دیوان شمس، غزل شماره ۲۱۰۲) درباره کربلا و عاشورا مثال می‌آورد:

رو مسلمان! سپر سلامت باش جهد می‌کن به پارسا بودن
کین شهیدان زمرگ نشکینند عاشقان اند برفنا بودن
از بلا و قضا گریزی تو ترس ایشان ز بی‌بلا بودن
ششه می‌گیر و روز عاشورا تونستانی به کربلا بودن

۲. عاشورا مظهر پیروزی در جهاد اکبر

چیتیک (۱۳۷۶: ۹۴) بر این باور است که مولوی، انسان بودن به مفهوم حقیقی را در مجاهدت با نفس سرکش می‌داند. پیامبران و اولیای الهی، نخستین مجاهدتی که داشتند، کشتن نفس و ترک شهوات بود که در معارف اسلامی به جهاد اکبر تعبیر شده است. لذا اگر امام حسین علیه السلام نمونه‌ای شایسته الگوگیری و تقلید است، به خاطر این نیست که به دست ستمگران به شهادت رسید؛ این یک موضوع بدیهی است. بلکه الگوگیری از امام حسین علیه السلام به این خاطر است که وی در جهاد اکبر به پیروزی رسیده

است. بنابراین، عظمت معنوی او باعث شده که رویدادهای منتهی به شهادت جسمانش معنی حقیقی خود را بیابند. پس الگوگیری از امام حسین علیه السلام به این صورت معنا می‌یابد که پیروان وی به جهاد اکبر پردازند.

مشین اینجا تو با اندیشه خویش اگر مردی برو آنجا که یار است
مگو باشد که او ما را نخواهد که مرد تشنه را با این چه کار است
که پروانه نیندیشد ز آتش که جان عشق را اندیشه عار است
چو مرد جنگ بانگ طبل بشنید در آن ساعت، هزار اندر هزار است
شنیدی طبل، برکش زود شمشیر که جان تو غلاف ذوالفقار است
بزن شمشیر و ملک عشق بستان که ملک عشق ملک پایدار است
حسین کربلایی آب بگذار که آب امروز تیغ آبدار است
(مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۳۳۸)

بر همین اساس چیتیک (۱۳۷۶: ۹۴) از آثار عرفانی اسلامی نظیر مثنوی معنوی چنین برداشت می‌کند که: «انسان برای دستیابی به مُلک عشق، باید که نخست درد هجران معشوق را بردل کشد زیرا هرچه به معنای هدف خود بیشتر وقوف پیدا کند به شدت ناتوانی خود بیشتر پی می‌برد»: هر که او بیدارتر پُردردتر / هر که او آگاه تر رخ زردتر (مولوی، مثنوی معنوی، دفتر اول، بخش ۲۹). بر همین اساس دردی را که عاشق می‌کشد همواره او را سوی معشوق سوق می‌دهد: هر غم و رنج که اندر تن و در دل آید / می‌کشد گوش شما را به وثاق موعود (همان، دیوان شمس، ترجیعات، ۲۱). و سرانجام، درد و رنج عشق به مرگ نفس و تولد در حق منتهی می‌شود.

شب مرد و زنده گشت، حیات است بعد مرگ / ای غم بگش مرا که حسینم، تویی یزید (همان، غزل شماره ۸۷۹). یا چنان که جای دیگر می‌گوید: مرتضای عشق شمس‌الدین تبریزی ببین / چون حسینم خون خود در، زهرکش همچون حسن (همان، غزل شماره ۱۹۴۳). یا: هرک آتش من دارد، او خرقه ز من دارد / زخمی چو حسینستش، جامی چو حسن دارد (همان، غزل شماره ۶۰۴).

۳. عاشورا مظهر شادی وصال

چیتیک (۱۳۷۶: ۹۴) بر این باور است که از دیدگاه مولانا، انسان تنها از طریق تحمل رنج و مصائب سفر معنوی قادر است به آن کمالی نائل آید که برای آن آفریده شده است، همان گونه که در جهان ظاهر، این امر با مصیبت امام حسین (ع) و اهل بیت او به تحقق پیوست. بنابراین، در این مرحله باید از شادی و سعادت وصال الهی سخن به میان آورد. مولانا زمانی که به عزاداری شیعیان حلب بر سالار شهیدان در روز عاشورا اشاره می‌کند، معتقد است که آن روز، روز سعادت و خوشبختی امام حسین علیه السلام و یارانش بوده است. لذا وی «در این واقعه، پیام شادی و سعادت وصال را به نمایش می‌گذارد که پیروزی معنوی امام علیه السلام آن را به ارمغان می‌آورد؛ او شادی و وصال را مشاهده می‌کند که معنای نهفته در پس رنج ظاهری امام حسین علیه السلام است».

روز عاشورا همه اهل حلب گرد آید مرد و زن جمعی عظیم نال و نوحه کنند اندر بُکا یک غریبی شاعری از ره رسید شهر را بگذاشت، و آن سواری کرد پرس پرسان می‌شد اندر انتقاد آن یکی گفتش که هی دیوانه‌ای روز عاشورا نمی‌دانی که هست گفت آری لیک کدور یزید چشم کوران آن خسارت را بدید خفته بودستید تا اکنون شما پس عزا بر خود کنید ای خفتگان روح سلطانی ز زندانی بجست چون که ایشان خسرو دین بوده‌اند سوی شادروان دولت تاختند	باب انطاکیه اندر تا به شب ماتم آن خاندان دارد مقیم شیعه عاشورا برای کربلا روز عاشورا و آن افغان شنید قصد جُست و جوی آن هیهای کرد چیست این غم بر که این ماتم فتاد تونه‌ای شیعه، عدو خانه‌ای ماتم جانی که از قرنی به است کی بُدست این غم، چه دیر اینجا رسید گوش کزان آن حکایت را شنید که کنون جامه دریدیت از عزا زانکه بد مرگی ست این خواب گران جامه چه درانیم و چون خاییم دست وقت شادی شد چو بشکستند بند کننده و زنجیر را انداختند
----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

(مولوی، مثنوی معنوی، دفتر ششم، ابیات ۷۷۷-۸۰۵).

چیتیک به این موضوع اشاره می‌کند که مولانا در مثنوی معنوی، با بهره‌گیری از تمثیل سوگواری شیعیان حلب در روز عاشورا، به تبیین راه عشق و وصال الهی پرداخته و با آوردن این مثال، به مخاطبان خود تفهیم می‌کند که باید چون حسین بن علی علیه السلام از «سرجان و جهان» برخیزند تا به وصال حق نائل آیند. ترکیبات کنایی موجود در ابیات مذکور، نظیر «ماتم جانی که از قرنی به است»، «قدر عشق گوش عشق گوشوار»، «پاک روح»، «روح سلطانی»، و «خسرو دین»، همگی به مقام والای حضرت سیدالشهداء و سوگ او اشاره دارد و بیانگر ارج و منزلت این سرور آزادگان و پیشوای عاشقان الهی نزد مولانا است. شیعیان هر ساله در ایام عاشورا به سوگواری می‌پردازند. این سوگواری نه به منظور گریستن بر مصائب دنیوی حسین بن علی علیه السلام، بلکه به قصد تعظیم و یادآوری ایثار و از خودگذشتگی او در راه عشق الهی و دستیابی به وصال معشوق ازلی است. این مراسم به منظور یادآوری به پیروان اهل بیت علیهم السلام است که اگر در مسیر عشق الهی گام نهاده‌اند، باید از جاه و مال و غنایم دنیوی چشم‌پوشی کنند و در برابر ظلم‌ها و آزمون‌هایی که از سوی یزید و شمر بر خاندان اهل بیت علیهم السلام وارد شد، مقاومت کنند و خم به ابرو نیاورند. مراسم سالانه روز عاشورا نیز به همین منظور است که پیروان او از خواب غفلت بیدار شوند و پیش از آنکه در بستر مرگ دچار پشیمانی شوند، در مواجهه با ظلم و ستم‌های دوران خود و در راه حق جویی و حق‌پرستی، بر هر چه غیر از خداوند است، غلبه کنند و به خود بازگردند. آنان باید رخسار خود را با «می دین» گلگون سازند و به یاری پرچم پراقتدار حق برخیزند، نه چون نابینایانی که چشمانشان «آن خسارت را بدید» و به خواب و غفلت دنیوی فرو رفتند؛ اینان هستند که به تعبیر مولانا باید «عزا بر خود» کنند (نک. لاهوتی، ۱۳۷۶: ۹۵).

چیتیک نمونه‌هایی دیگر از اشعار مثنوی (مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۲۷۰۷) را در خصوص عظمت مقام امام حسین علیه السلام به عنوان شاهد مثال در آثار خود می‌آورد که اولین آنها این غزل معروف است:

کجایید ای شهیدان خدایی بلاجویان دشت کربلایی
کجایید ای سبک‌روحان عاشق پرنده‌ترز مرغان هوایی

کجایید ای شهان آسمانی بدانسته فلک را درگشایی
 کجایید ای زجان و جارهیده کسی مرعقل را گوید کجایی؟
 کجایید ای درزندان شکسته بداده وامداران را رهایی
 کجایید ای درمخزن گشاده کجایید ای نوای بی‌نوایی
 در آن بحرید کاین عالم کف اوست زمانی بیش دارید آشنایی
 کف دریاست صورت‌های عالم ز کف بگذر، اگر اهل صفایی
 دلم کف کرد کاین نقش سخن شد بهل نقش و به دل رو گرزمایی
 بر آ ای شمس تبریزی ز مشرق که اصل اصل هر ضیایی
 و در غزل دوم دل را به امام حسین علیه السلام و فراق را به یزید تشبیه می‌کند و می‌سراید
 (همان، غزل شماره ۲۳):

دلست همچو حسین و فراق همچو یزید

شهید گشته به ظاهر حیات گشته به غیب
 اسیر در نظر خصم و خسروی به خلا
 میان جنت و فردوس وصل دوست مقیم
 رهیده از تک زندان جوع و رخص و غلا
 اگر نه بیخ درختش درون غیب ملیست
 چرا شکوفه وصلش شکفته است ملا
 خموش باش و ز سوی ضمیر ناطق باش
 که نفس ناطق کلی بگویدت افلا

نتیجه

پژوهش حاضر به بررسی دیدگاه‌های ویلیام چیتیک در زمینه نیایش‌های اسلامی و مفاهیم عاشورایی پرداخته و نشان داد که وی با تبیحری خاص و دانش وسیع، به تحلیل و تفسیر این مفاهیم پرداخته است. او معتقد است که عاشورا و نیایش‌های حسینی

نقش بی‌بدیلی در الهیات و عرفان اسلامی ایفا می‌کنند و نمایانگر نهایت فداکاری و مقاومت در برابر ظلم هستند. چیتیک با تحلیل عمیق دعای عرفه و مفاهیم عاشورایی در آثار ادیبان و عرفای بزرگ اسلامی مانند مولوی و سنایی، توانسته است تأثیرات این رویدادهای معنوی را بر ادبیات و فرهنگ اسلامی به خوبی برجسته سازد. او بر این باور است که نیایش‌ها و مفاهیم عاشورایی به‌طور عمیق در دل عرفان اسلامی جای گرفته‌اند و نماد پیروزی روح بر نفس و دستیابی به کمال الهی هستند. این پژوهش نشان داد که چیتیک، با رویکردی جامع و بین‌رشته‌ای، توانسته است به فهم عمیق‌تری از اسلام و عرفان اسلامی دست یابد و این مفاهیم را به مخاطبان غربی معرفی کند. او با تأکید بر اهمیت دعا و نیایش در تربیت معنوی مسلمانان و نقش محوری عاشورا در این زمینه، تصویری زنده و پویا از معنویت اسلامی ارائه داده است که همگان را به تأمل و بازاندیشی در این مفاهیم فرامی‌خواند. وی نشان می‌دهد که نیایش‌ها و مفاهیم عاشورایی نمایانگر پیروزی روح بر نفس و دستیابی به کمال الهی هستند و نقش مهمی در تربیت معنوی مسلمانان ایفا می‌کنند.

منابع

- قرآن کریم.
- چیتیک، ویلیام سی، محمد رستم و عاطف خلیل (۱۵ فوریه ۲۰۱۲)، در جستجوی قلب گمشده: کاوش در اندیشه اسلامی، مطبوعات SUNY، پ. ۳۹، شابک ۹۷۸-۱-۴۳۸۴-۴۳۳۵-۸.
- چیتیک، ویلیام سی (۱۳۷۶)، «برکرانه ادب و هنر: امام حسین علیه السلام در نگاه مولوی»، ترجمه حسن لاهوتی، وقف میراث جاویدان، شماره ۱۷، بهار، ص ۹۱-۹۵.
- _____ (۱۳۸۶)، «نیایشنامه علوی: اشتیاق ناتمام روح برای کمال»، ترجمه سید امیر حسین اصغری، اطلاعات حکمت و معرفت، سال دوم، شماره ۷، پاییز، ص ۲۴-۳۴.
- سنایی، مجدود بن آدم، دیوان/اشعار، کتابخانه دیجیتال گنجور.

- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، *الامالی*، قم، دارالثقافه.
- لاهوتی، حسن (بهار ۱۳۷۶)، «حواشی مترجم بر مقاله: برکرانه ادب و هنر: امام حسین علیه السلام در نگاه مولوی، نوشته چیتیک، سی، ویلیام»، وقف میراث جاویدان، شماره ۱۷، ص ۹۱-۹۵.
- مولوی، جلال الدین بلخی، *مثنوی معنوی*، کتابخانه دیجیتال گنجور.
- Chittick, William C. (1986). "Rumi's View of the Imam Husayn." *Al-Serat: Six-monthly magazine*, Vol. XII, Spring and Autumn, pp. 3-12.
- Chittick, William C. (2012). *In Search of the Lost Heart: Explorations in Islamic Thought*. New York: SUNY Press.
- Chittick, William C., & Murata, Sachiko (2000). *The Vision of Islam*. Translated by Abdolrahim Gavahi. Tehran: Islamic Culture Publishing House

